بسوی نور و توحید

**ترجمه کتاب: (****تطهیر الجنان والأرکان عن الشرك والكفران)**

**نوشته:**

**شیخ أحمد بن حج آل بطامی**

**مترجم:**

**اسحاق دبیری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | بسوی نور و توحید | | | |
| **عنوان اصلی:** | تطهیر الجنان والأرکان عن الشرك والكفران | | | |
| **نویسنده:** | شیخ أحمد بن حج آل بطامی | | | |
| **مترجم:** | اسحاق دبیری رحمه الله | | | |
| **موضوع:** | توحید و الهیات | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه 3](#_Toc238594939)

[انواع توحيد 7](#_Toc238594940)

[1- توحيد ربوبيت 7](#_Toc238594941)

[دلیل اثبات توحید ربوبیت 7](#_Toc238594942)

[دلیل قبول داشتن مشرکین توحید ربوبیت را 9](#_Toc238594943)

[2- توحيد الوهيت 11](#_Toc238594944)

[معنی عبادت 14](#_Toc238594945)

[وقوع اولین شرک بر روی زمین 15](#_Toc238594946)

[انواع عبادات 19](#_Toc238594947)

[1 و 2- رکوع و سجده: 19](#_Toc238594948)

[3 و4- نماز و ذبح: 19](#_Toc238594949)

[5 و6- نذر و طواف: 20](#_Toc238594950)

[7- قسم: 20](#_Toc238594951)

[8- استعانت: 21](#_Toc238594952)

[9- ترس: 21](#_Toc238594953)

[10- توکل: 22](#_Toc238594954)

[11- استغاثه: 22](#_Toc238594955)

[تفاوت بين توحيد ربوبيت و توحيد الوهيت 26](#_Toc238594956)

[معني «لا إله إلا الله» 27](#_Toc238594957)

[معني«محمد رسول الله» 29](#_Toc238594958)

[بيان عدم وجود واسطه و ميانجي بين خالق و مخلوق مگر در ابلاغ و رساندن دين: 33](#_Toc238594959)

[توسل و شبهات پيرامون آن 35](#_Toc238594960)

[3- توحيد اسماء و صفات 46](#_Toc238594961)

مقدمه

الحمد لله الذي أمرنا بالعبادة، وبطاعته وطاعة رسوله، ووعدنا بالحسنى مع الزيادة. والصلاة والسلام على سيدنا محمد، البالغ منتهي الشرف والسيادة، وعلى آله وأصحابه الذين منحهم الله العزة والسعادة.

اما بعد:

برادران عزیز! بایستی بدانیم اسلام از زمان ظهور تا به امروز مورد دشمنی اقوام بسیاری همچون قریش، یهود، فارس‌ها، روم، تاتارها و صلیبی‌ها قرار گرفته است. و لیکن الله تعالی این دین را پابرجا قرار داده و دشمنان آن را خوار و ذلیل گردانیده است.

ولی بازهم دشمنان اسلام در صدد هستند تا که شاید به خیال باطل خود بتوانند اسلام را از بین ببرند. و به همین دلیل هر وقت نقشه‌ای بی‌اثر و باطل می‌گردد، نقشه‌ای دیگر می‌ریزند.

حتی بسیاری از آنها با داخل شدن در دین اسلام، سعی کردند عقائد فاسد خود را در بین مسلمین رواج دهند. تا بدین طریق اسلام حقیقی را از بین ببرند. از خطرناکترین این عقاید که متأسفانه توانستند آن را در بین بسیاری از مسلمانانی که از اسلام حقیقی چندان اطلاعی نداشتند، رواج دهند، روش قبر پرستی وصوفی‌گری بود.

اینها مسلمانان غافل را به سوی پرستیدن قبرها دعوت کردند و بر روی این قبرها گنبدهای بسیار عظیمی برپا داشتند. و آنها را همچون قصرها آراستند. و خدمتکارانی در کنار این قبرها گماشتند تا که مردم را به دور آنها طواف دهند، و به آنها یاد دهند که چگونه بجای اینکه دست دعا بسوی الله تعالی دراز کنند، از این مردگان حاجات خود را طلب نمایند. این بلای عظیم تقریبا تمام کشورهای اسلامی را در برگرفت و مسلمانان بسیاری را فریب داد، مگر کسانیکه اسلام حقیقی را شناخته بودند و می‌دانستند که توحید یعنی چه و شرک چیست.

اما کسانیکه از شرک بودن اینگونه اعمال اطلاعی نداشتند، در دام دشمنان اسلام افتاده و با زاری و خواری به زیارت این مردگان رفته و از آنها خواستند که حاجت‌هایشان را بر آورده سازند. و چیزی که باعث تأسف شدید است، اینست که بعضی از کسانیکه ادعای عالم بودن می‌کنند، بر اینگونه اعمال شرک آلود صحه گذارده و برای رسیدن به مال، مردم بی‌اطلاع را بسوی اینگونه اعمال دعوت می‌کنند اما اگر عالم مخلصی برای مردم روشن سازد که انجام دادن اینگونه اعمال در اسلام حرام است، نصیب او ضرب و شتم و یا حتی زندان خواهد بود. می‌توان علماء را در رابطه با این بدعتها و اعمال شرک آلود به سه دسته تقسیم کرد:

1- گروهی بر این بدعتها و اعمال شرک آلود صحه می‌گذارند. و حتی مردم را بسوی اینگونه اعمال فرا می‌خوانند. مخصوصا اگر از این طریق صاحب منفعتی هم گردند.

2- گروهی حق را می‌دانند و می‌فهمند که اینگونه اعمال شرک است، اما بخاطر اینکه ممکن است مردم را از خود برنجانند و زندگیشان در خطر بیفتد سخنی نمی‌گویند و ساکت و آرام برجای خود نشسته‌اند، واین ضرب المثل را شعار خود قرار داده‌اند که:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خواهی نشوی رسوا |  | همرنگ جماعت شو |

3- گروهی سوم علمای پاک و مخلصی هستند که مردم را بسوی اسلام راستین فرا می‌خوانند و شب و روز خود را در دعوت دادن بسوی توحید و ترک شرک و خرافات صرف می‌کنند. و در این راه سختیهای فراوانی را متحمل می‌شوند. اما اینگونه علماء متأسفانه بسیار کم یافت می‌شوند.

در پایان این مقدمه امیدوارم که الله تعالی نوشتن این کتاب در علم توحید را عملی خالصانه برای خود قرار دهد. و آن را سببی گرداند برای رسیدن به جنات نعیم. وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه والتابعین.

احمد بن حجر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالـمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين. اما بعد:

الله تعالی فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاريات: 56].

«جن و انس را خلق نکردم، إلاّ برای اینکه فقط مرا عبادت کنند».

پس الله تعالی ما را برای این آفریده است که فقط او را عبادت کنیم. و این همان توحیدی است که تمام انبیاء ‡ از نوح  گرفته تا محمد به خاطر دعوت دادن بسوی آن به پیامبری گزیده شدند.

انواع توحيد

توحید به سه نوع تقسیم می‌شود:

1. توحید ربوبیت
2. توحید الوهیت
3. توحید اسماء وصفات

1- توحيد ربوبيت

و آن اعتقاد داشتن به این است که الله تعالی خالق بندگان و روزی رساننده آنها است، و اوست که به آنها زندگی می‌بخشد و سپس آنها را می‌میراند و همچنین میشود گفت که توحید ربوبیت یعنی منفرد دانستن الله تعالی به افعالی که مخصوص او است، افعالی همچون خلق کردن و روزی رساندن. به این نوع توحید تمام انسانها حتی یهود و نصاری و مجوس نیز اقرار داشته‌اند و هیچکس آن را رد نکرده است بجز کسانی که در گذشته بنام دَهْرِیه و امروز بنام کمونیست شناخته می‌شوند.

دلیل اثبات توحید ربوبیت

بایستی به نادانانی که وجود الله تعالی را منکر می‌شوند، گفته شود هیچ عاقلی قبول نمی‌کند که اثری بدون مؤثر و یا فعلی بدون فاعل و یا مخلوقی بدون خالق وجود داشته باشد.

و چیزی که تمام عقلاء آنرا قبول دارند این است که اگر انسان سوزنی ببیند یقین پیدا خواهد کرد که این سوزن را صانعی دُرست کرده است. پس چگونه امکان دارد که این عالم پر عظمت بدون خالق باشد؟ و با این نظم عجیبی که در بین سیارات و کهکشانها و تمام مخلوقات چه در زمین و چه در آسمان وجود دارد، بدون مُنَظِّم بوجود آمده باشد؟

براستی هر کس که صاحب ذره‌ای عقل و فهم باشد، پی بوجود خالق آسمان و زمین خواهد برد.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦﴾ [الطور: 35].

«آیا بدون خالق خلق شده‌اند؟ یا اینکه خود شان، خود را خلق کرده‌اند؟».

بدیهی است که هیچ مخلوقی بدون آفریننده بوجود نمی‌آید و همچنین امکان ندارد که چیزی خالق خود باشد. چون در این صورت آن چیز بایستی در آن واحد هم خالق باشد و هم مخلوق، و این امکان ندارد.

در این صورت تنها جوابی که باقی می‌ماند این است که الله تعالی، خالق آسمانها و زمین است. به این مطلب حتی مشرکین نیز اقرار داشتند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ٩﴾ [الزخرف: 9].

«ای رسول الله! اگر از این مشرکین بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است، خواهند گفت: آنها را الله عزیز و علیم خلق کرده است».

اما دهریون و کمونیستها معتقدند این طبیعت است که همه چیز را خلق کرده است.

ما می‌دانیم طبیعتی که اینها را آنرا می‌پرستند در واقع همین مخلوقاتی هستند که الله تعالی آنها را خلق کرده است، مانند آسمان و زمین و خورشید و ماه و دریاها و... و این طبیعت آنچنان که می‌بینیم نه دارای حیات است و نه علم و نه شنوائی و نه بینائی و نه... پس چطور ممکن است طبیعتی که خود فاقد اینگونه صفات است مخلوقی همچون انسان بیافریند که دارای این صفات می‌باشد؟

پس واضح است که این دهریون و کمونیستها فقط به خاطر جهل و دشمنی با ادیان است که وجود خالق را منکر می‌شوند. واین انکار معمولا از چهار چوب زبان فراتر نمی‌رود. و اگر شما کسی از آنها را وقتی که مصیبتی بر او واقع گشته ببنید، خواهید دانست که چطور در آن موقع رو بسوی خالق زمین و آسمان می‌کند و افکار کفر آمیز خود را رها می‌سازد. اما وقتیکه مصیبت از او دور شد، دوباره به انکار کسی می‌پردازد که تا چندی پیش رو بسوی او آورده بود.

و دلیل دیگری که خالق بودن طبیعت را رد می‌کند این است که انسان توانسته است در بسیاری از امور بر طبیعت چیره شود. انسان کوهها را صاف می‌کند، دریاهای خروشان را در کنترول خود در می‌آورد، به اعماق اقیانوسها می‌رود، و در دل آسمانها نفوذ می‌کند، و هنگامیکه شب فرا می‌رسد با استفاده از برق آن را به روز تبدیل می‌کند و... پس باید پرسید این چه خالقی است که اینگونه از مخلوق خود شکست خورده است؟!

پس حق همانطور که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید این است که:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ٦٢﴾ [الزمر: 62].

«خالق تمام مخلوقات الله است. و او است که تدبیر تمام چیزها را بدست دارد».

دلیل قبول داشتن مشرکین توحید ربوبیت را

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٥﴾ [لقمان: 25].

«(ای رسول الله!) اگر از این مشرکین بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است، خواهند گفت: الله. بگو: الحمد لله (که خود تان اعتراف کردید)، ولی اکثر آنها نمی‌دانند (که فقط خالق است که بایستی عبادت شود)».

وهمچنین الله تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٣٢﴾ [يونس: 31-32].

«ای رسول الله! به این مشرکین بگو، کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌رساند؟ و یا اینکه چه کسی مالک و آفریننده گوشها و چشمهای شماست؟ و چه کسی بوجود می‌آورد جاندار را از بی‌جان (مانند بوجود آمدن انسان از نطفه و پرنده از تخم) و بوجود می‌آورد بی‌جان را از جاندار (مانند بوجود آمدن نطفه از انسان و تخم از پرنده)؟ و چه کسی امور هستی را اداره می‌کند؟ خواهند گفت: الله. پس به آنها بگو: آیا از عقاب او نمی‌ترسید که اینگونه در عبادت‌تان با او شریک قرار می‌دهید؟ اوست رب برحق شما. بغیر از حق چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟ پس چگونه از حق روی می‌گردانید و بسوی باطل و گمراهی می‌روید»؟.

و همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ٩﴾ [الزخرف: 9].

«(ای رسول الله!) اگر از این مشرکین بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است، خواهند گفت: آنها را الله عزیز و علیم خلق کرده است».

پس این آیات این امر را برای ما واضح گردانید که مشرکین معتقد بوجود الله سبحانه و تعالی بودند، و همچنین به اینکه خالق و روزی رساننده آنها اوست ایمان داشتند اما گمراهی آنها در این بود که در عبادات خود با الله  شریک قرار می‌دادند و دیگر معبودات را واسطه‌ای بین خود و او می‌پنداشتند.

پس روشن می‌گردد که ایمان داشتن به توحید ربوبیت به تنهائی، انسان را مسلمان نمی‌سازد، و او را از عذاب آخرت نجات نمی‌دهد، مگر اینکه همراه با توحید ربوبیت به توحید الوهیت نیز ایمان بیاورد و به آن در زندگی خود عمل کند.

2- توحيد الوهيت

و به آن توحید عبادت نیز گفته می‌شود، و مراد از آن این است که انسان تمام انواع عبادات را فقط برای الله تعالی بجا بیاورد. چون اوست که فقط شایستگی عبادت شدن را دارد. وغیر از او هیچکس ولو اینکه دارای مقام و منزلت والایی چه دنیوی و چه دینی باشد، شایستگی عبادت شدن را ندارد. واین همان توحیدی است که الله تعالی بخاطر آن انبیاء و پیامبران (علیهم السلام) را بسوی امتهایشان مبعوث داشت. و قرآن بهترین شاهد بر این امر است.

الله تعالی در مورد نوح  می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢٥ أَن لَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ أَلِيمٖ ٢٦﴾ [هود: 25-26].

«و بی‌شک ما نوح را بسوی قومش فرستادیم تا که به آنها بگوید من برحذر دارنده آشکاری برای شما هستم، بسوی این که غیر از الله را عبادت نکنید، من از عذاب روز قیامت بر شما می‌ترسم».

و همچنین الله  در مورد هود  می‌فرماید:

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۖ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُفۡتَرُونَ ٥٠﴾ [هود: 50].

«و بسوی قوم عاد پیامبری از خود شان بنام هود فرستادیم او به آنها گفت: ای قوم من! فقط الله را عبادت کنید، برای شما معبودی بحقی جز او نیست، و شما با عبادت کردن این معبودات باطل به الله تعالی افتراء می‌زنید چونکه إله بحقی جز او نیست».

و همچنین الله  در مورد صالح  می‌فرماید:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥ﴾ [هود:61].

«و بسوی قوم ثمود پیامبری از خود شان بنام صالح فرستادیم، او به آنها گفت: ای قوم من! فقط الله را عبادت کنید، برای شما معبود بحقی جز او نیست».

و همچنین الله  در مورد شعیب  می‌فرماید:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥ﴾ [هود: 84].

«و بسوی قوم مدین پیامبری از خود شان بنام شعیب فرستادیم او به آنها گفت: ای قوم من فقط الله را عبادت کنید، برای شما معبود بحقی جز او نیست».

و همچنین الله تعالی از قوم موسی  می‌فرماید:

﴿قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا وَهُوَ فَضَّلَكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٤﴾ [الأعراف: 140].

«موسی گفت: چگونه برای شما معبودی جز الله قرار دهم؟ (در حالیکه خود تان نشانه‌های عظمت و قدرت او را دیدید و همچنین او با إعطا کردن نعمت‌های فراوان) شما را بر دیگر انسانهای (زمان تان) برتری داده است».

و همچنین الله تعالی از قول عیسی  می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٥١﴾ [آل‌عمران: 51].

«بی شک، الله، رب من و شماست، پس فقط او را عبادت کنید. این (یعنی فقط الله را عبادت کردن) راه مستقیم و صحیح می‌باشد».

و همچنین الله تعالی به رسول الله امر کرده است تا که به اهل کتاب بگوید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾ [آل‌عمران: 64].

«بگو: ای اهل کتاب! بیایید بسوی کلمه حق و عادلانه‌ای که بین ما و شما یکسان باشد. و آن این است که جز الله را عبادت نکنیم و با او چیزی شریک قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را برای خود رب قرار ندهند».

در این آیه الله تعالی به رسول الله امر می‌کند که به یهود و نصاری بگوید که رو بسوی توحید بیاورند و عقاید باطل خود، مانند عقیده دشتن به الوهیت و ربوبیت مسیح و عزیر ﻹ را ترک کنند.

و همچنین الله تعالی تمام بشریت را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١﴾ [البقرة: 21].

«ای انسانها، فقط رب تان که شما و انسانهای قبل از شما را خلق کرده است، عبادت کنید تا که پرهیزگار شوید».

پس، از این آیات نتیجه می‌گیریم که تمام انبیاء و رسل به خاطر این به پیامبری مبعوث گشتند تا که امتهای خود را بسوی توحید الوهیت دعوت دهند و آنها را از شریک قرار دادن با الله تعالی در عبادات برحذر دارند همانطوری که الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«و بی‌شک در هر امتی پیامبری مبعوث داشتیم برای دعوت کردن بسوی اینکه الله را عبادت کنید و از طاغوت([[1]](#footnote-1)) دوری جوئید».

معنی عبادت

در لغت عبادت به معنی فروتنی و تحت فرمان بودن است.

ودر شرع معنای آن همانطور که شیخ الإسلام ابن تیمیه / می‌گوید: عبادت یعنی اطاعت کردن از اوامری که الله تعالی از طریق انبیاء ما را به آنها امر کرده است.

و همچنین شیخ الإسلام ابن تیمیه در تعریفی دیگر از عبادت می‌گوید: تمام اعمال و اقوال و افعال ظاهری و باطنی که الله تعالی آنها را دوست می‌دارد، نوعی عبادت می‌باشند.

پس بر هر فرد مسلمان واجب است که تمام انواع عبادات را فقط برای الله تعالی بجا آورد. و همچنین بجا آوردن این عبادات بایستی بصورتی باشد که رسول الله برای ما روشن ساخته است([[2]](#footnote-2)).

وقوع اولین شرک بر روی زمین

بایستی دانست که اولین شرک در قوم نوح  بوجود آمد. و به همین سبب الله تعالی نوح  را در میان این قوم مبعوث داشت تا که آنها را بسوی توحید و ترک عبادت غیر او دعوت کند. اما قوم نوح  بجای اینکه از سخنان پیامبر شان اطاعت کنند، به دشمنی با او پرداختند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند، و همانطور که قرآن از آنها نقل می‌کند گفتند:

﴿وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسۡرٗا ٢٣﴾ [نوح: 23].

«و گفتند معبودات خود را ترک نکنید، ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نسازید».

در صحیح بخاری / از ابن عباس ب در مورد این آیه روایت شده است که: این اسمها نام‌های افراد صالحی از قوم نوح بوده است. هنگامی که این افراد فوت کردند شیطان به قوم آنها الهام کرد که مجسمه‌هایی به صورت آنها بسازند و در مجلسی که این اشخاص در آن نشستند بگذارند تا این امر سبب شود که آنها همیشه این افراد صالح و عبادات زیاد شان را بخاطر داشته باشند و با إلهام گرفتن از آنها عبادت شان را زیاد کنند. و این قوم فریب شیطان را خوردند و اینکار را انجام دادند. سپس به مرور زمان وقتی که این نسل از بین رفت و نسلهای دیگری آمدند شیطان به آنها گفت که پدران شما این مجسمه‌ها را می‌پرستیدند. پس آنها نیز به عبادت کردن این مجسمه پرداختند وبدین صورت شرک بر روی زمین ظاهر شد».

پس دانستیم که سبب بوجود آمدن اولین شرک غلو کردن در ارج نهادن بر افراد صالح می‌باشد و غلو یعنی زیاده روی کردن در ستایش و بزرگداشت افراد صالح چه این زیاده روی در هنگام سخن گفتن باشد و چه در قلب.

و به همین سبب، الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ﴾ [النساء: 171].

«ای یهود و نصاری! در امور دین‌تان غلو و زیاده روی نکنید، چیزی جز حق، به الله تعالی نسبت ندهید. بی‌شک عیسی پسر مریم رسول و فرستاده الله است».

لفظ این آیه گرچه خطاب به یهود و نصاری است اما در عین حال به مسلمانان نیز هشدار می‌دهد که از خطاهای که این اقوام مرتکب شدند برحذر باشند تا مانند آنها به گمراهی و ضلالت کشیده نشوند.

و به همین سبب در حدیث صحیحی که از عمر بن الخطاب  روایت شده است آمده است که رسول الله فرموده: **«**لا تَطْرُوني كما أطْرَت النصارى عيسى بنَ مريمَ، إنمّا أنا عبدٌ، فقولوا عبدُ اللهِ ورَسَوُله». «شما مانند نصاری که در مدح عیسی بن مریم زیاده روی کردند، در مدح و ستایش من زیاده روی نکنید. من بنده‌ای از بندگان الله تعالی می‌باشم.پس در مورد من بگویید: عبدالله و رسول او».

اما متأسفانه بسیاری از مسلمانان این امر رسول الله را زیر پا گذاشته و در مدح و ستایش او غلو و زیاده رویهای فراونی را مرتکب شدند. و بسیاری از این غلوها، نوعی شریک قرار دادن با الله تعالی می‌باشد. و همچنین بر روی بعضی از قبرها گنبدهای عظیمی بر پاداشتند و در کنار آنها نماز خواندن پرداختند و به دور این قبور مشغول طواف گشتند. و در هنگام نیاز داشتن به چیزی و یا در هنگامیکه در مصیبتی قرار می‌گرفتند، دست دعا بسوی این مردگان بلند می‌کردند. و این امر را به فراموشی می‌سپردند که مردگان اگر می‌توانستند کاری بکنند خود را از زیر خاک بدر می‌آوردند. عائشه ل می‌گوید: هنگامی که رسول الله در بستر مرگ بود وقتیکه سختی بر او شدت می‌گرفت پارچه‌ای را بر روی صورت خود می‌انداخت و هنگامیکه شدت بیماری کم شد پارچه را بر می‌داشت. و همین حالت بود که رسول الله فرمود: لعنت الله تعالی بر یهود و نصاری باد که قبور انبیاء خود را محلی برای عبادت کردن و سجده کردن قرار دادند. عائشه ل در ادامه کلام خود می‌گوید: «رسول الله با این سخن خود مسلمانان را از این عمل برحذر داشت. و اگر این سخن رسول الله نمی‌بود قبر او از سائر قبرها متمیز ساخته می‌شد و لیکن ترس از اینکه قبر رسول الله تبدیل به محلی برای عبادت کردن و سجده کردن شود، مانع اینکار شد.

(این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند) در این حدیث رسول الله بیان می‌کند که الله تعالی یهود و نصاری را بخاطر اینکه قبرهای انبیاء خود را محلی برای عبادت کردن و سجده کردن قرار دادند، مورد لعنت خود قرار داد. این سزای کسانی است که بر روی قبرهای انبیاء و پیامبران گُنبد بنا می‌کنند و آنها را محلی برای عبادت کردن الله تعالی قرار می‌دهند. پس سزای کسانیکه قبرهای اشخاص را محل عبادت قرار می‌دهند که بمراتب دارای منزلتی پایین‌تر از انبیاء هستند، چه خواهد بود؟ و همچنین اشخاص دیگری نیز فرمایشات رسول الله را زیر پا گذاشتند و در مدح و تمجید او زیاده روی و غلو کردند، اینها می‌گفتند که رسول الله علم غیب داشت و از آن باخبر بود. در حالیکه الله تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: 59].

«و نزد اوست (یعنی الله تعالی) مخازن غیب کسی جز او از آنها خبر نیست».

 وهمچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ ٣٤﴾ [لقمان: 34].

«بی‌شک الله می‌داند که قیامت چه وقتی بر پا می‌شود و اوست که سبب بارش باران شده و به وقت و محل آن آگاه است و می‌داند بچه‌ای که در رحم مادر است آیا پسر است یا دختر، آیا فردی صالح خواهد بود و یا بد. و هیچکس نمی‌داند که فردا بر او چه خواهد گذشت. و هیچکس نمی‌داند در چه سر زمینی می‌میرد. براستی که الله بسیار عالم و بسیار داناست».

زجاج می‌گوید: هرکس ادعا کند که یکی از این امور پنجگانه را می‌داند، به قرآن کفر و رزیده است چونکه سخن او مخالف قرآن است.

همچنین الله تعالی به رسول الله امر می‌کند که بگوید:

﴿وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُ﴾ [الأعراف: 188].

«بگو: اگر من از غیب اطلاع داشتم برای خود خیر بیشتری کسب می‌کردم و به من ضرر و زیانی نمی‌رسید».

 وهمچنین الله تعالی به رسول الله امر می‌کند که بگوید:

﴿ قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُ﴾ [النمل: 65].

«بگو تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب را نمی‌دانند، مگر الله».

پس این آیات بوضوح روشن می‌گردانند که کسی جز الله تعالی غیب را نمی‌داند. و به همین سبب عائشه ل می‌گوید: «کسیکه گمان کند محمد غیب می‌دانسته بدرستیکه دروغ بزرگی به الله تعالی بسته است و امّا اموری که رسول الله در آنها از غیب سخن گفته است، این امور را الله تعالی بوسیله وحی به او یاد داده است.

انواع عبادات

عبادت انواع بسیار زیادی دارد. و ما در این بخش بعضی از آنها را همراه بادلیل شان ذکر می‌کنیم.

1 و 2- رکوع و سجده:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩ ٧٧﴾ [الحج: 77].

«ای مؤمنین به رکوع روید و سجده کنید (مراد نماز خواندن است. و چونکه رکوع و سجده از اشرف‌ترین ارکان نماز هستند به جای نماز، این دو رکن آن ذکر شده است) و رب تان را عبادت کنید و اعمال خیر انجام دهید تا رستگار شوید».

3 و4- نماز و ذبح:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو: بی‌شک نمازم و قربانی ام و زندگیم و وفاتم برای الله، رب عالمیان است، شریکی برای او نیست و امر شده‌ام که عبادات خود را فقط برای الله بجا آورم و من اولین مسلمان در امتم می‌باشم».

و همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ ٣﴾ [الكوثر: 2-3].

«پس نماز بخوان برای ربت و برای او ذبح کن بی‌شک دشمنت است که از هر گونه خیری محروم می‌باشد».

وهمچنین رسول الله می‌فرماید: «لعَنَ اللهُ من ذَبَح لِغير الله». «الله لعنت کرده است کسی را که برای غیر او ذبح کند».

5 و6- نذر و طواف:

 الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ﴾ [الحج: 29].

«وبه نذرهای خود وفا، و به دور خانه کعبه طواف کنند».

7- قسم:

در حدیث ابن عمر ب آمده است که رسول الله فرمود: «مَنْ حَلَفْ بغیرِ اللهِ فقد أشرك».وفي لفظ: «فقد كفر». «کسیکه به غیر الله قسم بخورد، شرک ورزیده است». ودر لفظ دیگری: «کسیکه به غیر الله قسم بخورد، کفر ورزیده است».

متأسفانه چه بسیارند کسانیکه به سبب جهل و نادانی در این نوع از شرک و کفر واقع گشته‌اند و به جای اینکه به الله قسم بخورند به جان بچه‌هایشان و یا به اشخاص دیگر قسم می‌خورند.

8- استعانت:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5].

«فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو استعانت و کمک می‌جوئیم».

«باید دانست که مراد از استعانت جستن، کمک طلبیدن در اموری است که این امور را کسی جز الله تعالی نمی‌تواند انجام دهد. و یا ممکن است بر آورده کردن شی مطلوب در قدرت انسان باشد، ولی انسانی که از او استعانت جسته می‌شود در نزد شخص نباشد. مانند کسیکه دستش را بلند کرده و از شخصی که کیلو مترها از او دور می‌باشد طلب بر آورده کردن حاجتش را کند».

وهمچنین در حدیث امده است که رسول الله فرموده:

**«**إذا سألتَ فاسأل اللهَ، و إذا استْعَنت فاستعِن باللهِ». «هنگامی که چیزی خواستی، انرا از الله بخواه و هنگامیکه طلب کمک کردی، از الله تعالی طلب کن».

9- ترس:

الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [آل‌عمران: 175].

«پس از آنها نترسید و فقط از من بترسید اگر واقعاً مؤمن هستید».

«مراد ما در اینجا از ترس، ترس غیب می‌باشد مانند اینکه در دل ما از شخصی که کیلو مترها با ما فاصله دارد و صدای ما را نمی‌شنود و یا اینکه در قبر قرار دارد، نوعی ترس و خوف از او وجود داشته باشد، که مبادا اگر فلان حرف را بزنیم و یا فلان کار را انجام دهیم، او از ما نارحت می‌شود و به ما آسیب و زیان می‌رساند».

10- توکل:

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: 23].

«و بر الله توکل کنید اگر واقعاً مؤمن هستید».

«ممکن است ما بعضی از امور خود را به دیگران واگذار کنیم. و این هیچ اشکالی ندارد. البته بایستی دو چیز را مراعات کنیم:

1- این امر فراتر از چهار چوب قدرت مخلوقات نباشد.

2- این واگذاری با این اعتقاد همراه نباشد که فلانی حتماً اینکار را انجام خواهد داد. حتی اگر این کار بسیار آسان باشد بلکه بایستی معتقد باشیم که اگر الله بخواهد اینکار خواهد یافت».

11- استغاثه:

«فرق استغاثه با استعانه این است که در استغاثه انسان، کمکی فوری طلب می‌کند مانند کسیکه در حال غرق شدن باشد اما در استعانه کمک خواسته شده ممکن است فوری نباشد».

الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِ﴾ [يونس: 107].

«و اگر الله تو را به بلا و یا مصیبتی دچار کند، کسی نمی‌تواند آنرا از تو بر طرف سازد بجز خود او، و اگر بخواهد خیری و نعمتی به تو برساند کسی نمی‌تواند جلوی این نعمت را بگیرد».

و همچنین الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ٥ وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ٦﴾ [الأحقاف: 5-6].

«وکیست گمراه‌تر از کسیکه بخواند جز الله، آنانی را که دعای او را هرگز اجابت نخواهند کرد، و از دعا و طلب او بیخبرند و در روز قیامت هنگامی که مردم حشر می‌شوند این معبودات باطل دشمنان کسانی خواهند بود که به سویشان دست دعا بلند کرده بودند، و این عبادت ایشان را انکار و تکذیب خواهند کرد».

پس این آیه روشن می‌گرداند که استغاثه جستن نیز بایستی از الله باشد و هر کس که از فرشتگان و یا پیامبران و عموماً از هر که غیر از الله استغاثه بجوید گمراه می‌باشد.

و چگونه امکان دارد، انسانی عاقل این آیات را بشنود و یا بخواند و سپس از غیر الله تعالی استغاثه بجوید؟ آیا این قول الله تعالی را نمی‌شنود که می‌فرماید:

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾ [النمل: 62].

«و کیست که دعای در مانده را هنگامی که از او کمک می‌خواهد اجابت می‌کند، و بلا و مصیبت را دور می‌سازد؟ و شما را بر روی زمین جانشین پیشینیان می‌گرداند؟ آیا معبود بحقی جز الله تعالی وجود دارد؟ بسیار کم پند می‌پذرید».

و همچنین امام طبرانی حدیثی روایت کرده است که در آن آمده است: در زمان رسول الله شخص منافقی وجود داشت که به مؤمنین آزار و اذیت فراوانی می‌رساند. روزی بعضی از مؤمنین گفتند: برویم و از دست این منافق به رسول الله استغاثه بجوئیم رسول الله در جواب این عده فرمود «إنه لا يُستغاث بي، و إنما يستغاث بالله». «بی شک هر گز از من استغاثه جسته نمی‌شود بلکه فقط از الله استغاثه جسته می‌شود».

پس در خاتمه می‌توانیم نتیجه بگیریم که هر شخصی برای غیر الله تعالی به رکوع و سجود رود و یا برای غیر او نذر و ذبح کند، و یا به دور قبر طواف کند و یا به غیر الله استغاثه جوید« مثلاً بگوید: ای رسول الله مرا نجات بده و یا: فلانی این بلا را از من دور کن» ویا از غیر الله چیزی بخواهد که قدرت بر آورده کردن آن فقط در دست الله تعالی است و یا..، این شخص در عمل خود با الله جل جلاله شریک قرار داده است و این نوع شرک، شرک اکبر می‌باشد و هر کس که دچار شرک اکبر شود تمام اعمال او بر باد می‌رود و بایستی که از شرک خود توبه کند، چونکه الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ٤٨﴾ [النساء: 48].

«بی شک هرگز الله شرک ورزیدن به او را نخواهد بخشید وهر گناهی پایین‌تر از شرک را برای هرکس که بخواهد (یعنی الله تعالی) می‌بخشد. و کسیکه به الله شرک ورزد در حقیقت گناهی بزرگ مرتک شده است».

اما هما نطوریکه قبلاً نیز ذکر کردیم انسان می‌تواند از شخص زنده- در اموری که در چهار چوب توانایی انسان باشد، کمک بطلبد. و این عمل او، هیچ منافاتی با توحید ندارد. شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید:

شرک بر دو نوع می‌باشد. شرک اکبر و شرک اصغر کسیکه دچار هیچکدام از آنها نگردد، از اهل بهشت خواهد بود و کسیکه مرتک شرک اکبر شده باشد وقبل از اینکه توبه کند بمیرد، او از اهل جهنم است. وکسیکه مرتکب شرک اصغر شده باشد اما حسنات او از سیئاتش بیشتر باشد، وارد بهشت خواهد شد. وکسیکه مرتکب شرک اصغر شود و حسناتش از گناهانش کمتر باشد، وارد جهنم خواهد شد. پس شرک اکبر انسان را وارد جهنم خواهد کرد و به همین صورت شرک اصغر اگر زیاد باشد. اما اگر شرک اصغر اندک بوده و شخصی که مرتکب آن گشته دارای حسنات زیادی باشد، این گناه او بخشوده خواهد شد.

می توان از انواع شرک اکبر سجده کردن و یا نذر کردن برای غیر الله را نام برد و از انواع شرک اصغر نیز می‌تون ریاء و قسم خوردن به غیر الله را ذکر کرد.

در اینجا چند آیه را ذکر می‌کنیم که در آنها الله تعالی ما را امر می‌کند که فقط او را عبادت کنیم. و همچنین روشن می‌گرداند که معبودات باطل هیچگونه قدرتی ندارد تا که شایستگی عبادت شدن را داشته باشد، بلکه آنها مانند سایر مخلوقات بسیار ضعیف و عاجزند.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١﴾ [البقرة: 21].

«ای انسانها رب‌تان را عبادت کنید. ربی که شما و کسانیکه پیش از شما بوده‌اند را خلق کرده است تاکه پرهیز گار شوید».

و همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا﴾ [النساء: 36]. «و رب تو امر کرده است که عبادت نکنید مگر او را و به والدین خود لطف و احسان کنید».

و همچنین هما نطوریکه ذکر کردیم الله تعالی روشن گردانیده است که این معبوداتی که بسوی آنها دست دعا دراز می‌شود، هیچگونه قدرتی برای اجابت کردن دعا ندارند.الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخۡلُقُواْ ذُبَابٗا وَلَوِ ٱجۡتَمَعُواْ لَهُۥۖ وَإِن يَسۡلُبۡهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيۡ‍ٔٗا لَّا يَسۡتَنقِذُوهُ مِنۡهُۚ ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلۡمَطۡلُوبُ﴾ [الحج: 73].

«بی‌شک بجز الله کسانیکه آنها را فرا می‌خوانید نمی‌توانند مگسی خلق کنند و لو در این عمل با یکدیگر همکاری کنند. و اگر مکس از آنها چیزی برباید نمی‌توانند آنرا از مگس پس بگیرند. ناتوان و عاجز است عابد و معبود».

الله تعالی به ما یاد می‌دهد که تمام امور فقط به دست اوست:

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِ﴾ [يونس: 107].

«و اگر الله تو را به بلا و یا مصیبتی دچار کند، کسی نمی‌تواند آنرا از تو بر طرف سازد، مگر او . و اگر بخواهد خیری و نعمتی به تو برساند کسی نمی‌تواند جلوی این نعمت را بگیرد».

همانطوریکه واضح است این آیه خطاب به سید المرسلین رسول الله می‌باشد پس اگر رسول الله نمی‌تواند مصیبتی را که بر او نازل شده است از خود دور کند، به همین ترتیب نیز نمی‌تواند مصیبتی را که بر دیگری نازل شده است از او دور سازد. و اگر رسول الله که اشرف الأنبیاء می‌باشد نتواند چنین کاری انجام دهد، کسانی که دارای مقامی پایین‌تر از رسول الله هستند، نیز توانانی و قدرت آنرا نخواهد داشت که بلایی را از کسی درو کنند و یا نعمتی به او برسانند پس واضح می‌گردد که اینکار را کسی جز الله تعالی نمی‌تواند انجام دهد. و روی آوردن به کسی جز او در اینکار نوعی شریک قرار دادن برای او در اموریست که فقط او توانانی انجام آنرا دارد.

تفاوت بين توحيد ربوبيت و توحيد الوهيت

بر هر فرد مسلمان لازم است فرق بین توحید ربوبیت و توحید الوهیت را بداند. اما متأسفانه بسیاری از مسلمانان فرق این دو را نمی‌دانند. و به همین سبب نیز گمان می‌کنند که کلمه إله یعنی خالق و مالک در حالیکه این تصور خطا و اشتباه است و معنی حقیقی کلمه إله یعنی معبود. خواه این معبود بحق باشد (یعنی الله تعالی) و خواه باطل (مثل بتها و درختها و انسانهای زنده و یا مرده که مشرکین آنها را عبادت می‌کنند».

و به همین سبب نیز هنگامیکه رسول الله به مشرکین قریش گفت: **«**قولوا: لا إله إلا الله تفلحوا». «بگوئید معبود بحقی جز الله وجود ندارد تا که رستگار شوید».

در جواب همانطور که قرآن از آنها حکایت می‌کند، گفتند:

﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥ وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ٦ مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ٧﴾ [ص: 5-7].

«آیا تمام معبودات را، یک معبود قرار داده؟ بی‌شک این امر بسیار تعجب‌آور است. سپس بزرگان آنها برخاستند و رفتند در حالیکه به یکدیگر می‌گفتند: بروید و بر عبادت کردن معبودات خود استوار باشید و بی‌شک این امر (یعنی دعوت به یکتا پرستی) امری است که محمد بوسیله آن می‌خواهد به آقایی و ریاست شما برسد. این امر (یعنی یکتا پرستی) را ما حتی در دین نصرانیت نیز نشنیده‌ایم، این امر چیزی جز دروغ و افتراء نمی‌باشد».

معني «لا إله إلا الله»

لا إله: یعنی هیچ معبودی نیست. پس این عبارت تمام معبودات باطل را نفی می‌کند. إلا الله: مگر الله. و این عبارت معبود بودن الله تعالی را به اثبات می‌رساند. پس معنی لا إله إلا الله می‌شود: هیچ معبودی نیست که شایستگی عبادت شدن داشته باشد مگر الله.

برای صحیح بودن نطق به لا إله إلا الله هفت شرط لازم است:

1. علم. هر شخصی که لا إله لاّ الله می‌گوید و به آن ایمان دارد بایستی معنی آن را نیز بداند. و معنی آن بطور خلاصه همانطوریکه گفتیم می‌شود: هیچ معبودی نیست که شایستگی عبادت شدن را داشته باشد مگر الله.
2. یقین. بر هر مسلمان واجب است که به معنی لا إله إلا الله یقین داشته باشد. و در این مورد هیچگونه شکی به خود راه ندهد.
3. اخلاص
4. صدق. بر شخصی که لا إله إلا الله می‌گوید لازم است در این قول خود صادق باشد. چونکه منافقین نیز لا إله إلا الله می‌گفتند، و لیکن در این قول خود صادق نبودند و در قلبهایشان به آن ایمان نداشتند، الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ [الفتح: 11].

«با زبان‌های خود سخنی می‌گویند که در قلب‌هایشان به آن ایمان ندارند».

1. قبول کردن آن. چونکه بعضی‌ها آنرا می‌گویند و معنی آن را هم می‌دانند. و لیکن بسبب تکبر و یا حسادت و یا به اسباب دیگری آن راقبول نمی‌کنند.
2. اطاعت. یعنی کسی که لا إله إلا الله می‌گوید بایستی مطیع امر الله باشد- هر امری را که الله تعالی بر او واجب گردانیده است، انجام دهد. و از هر امری که الله آن را حرام گردانیده است، دوری جوید.
3. محبت. برهر فرد مسلمان واجب است که توحید را دوست بدارد. و همچنین از اینکه با الله تعالی در عبادات شریک قرار داده شود نفرت داشته باشد. هرکس که معنی لا إله إلا الله را بفهمد خواهد دانست که بسیاری از اعمالی که بعضی از مسلمانها انجام می‌دهند، مانند نذر و ذبح کردن برای غیر الله، تبرک جستن به خاک بعضی از قبرها و یا طواف کردن به دور آنها و طلبیدن چیزی از مردگان نوعی عبادت می‌باشد.

و این اعمال آنها نوعی شرک اکبر محسوب می‌شود و الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾ [المائدة: 72].

«بی‌شک هر آنکه با الله شریک قرار دهد، الله بهشت را بر او حرام گردانیده و جایگاه او جهنم است. و برای ظالمین هیچ یاری رساننده‌ای نیست».

معني«محمد رسول الله»

معنی حقیقی «أشهد أن محمداً رسول الله»، اطاعت کردن از اوامر رسول الله ، و تصدیق تمام سخنان او و دوری جستن از اموری است که ما را از آنها نهی کرده است. و همچنین بر هر فردی که شهادت می‌دهد محمد رسول الله است واجب می‌گردد که الله را فقط آنطور که رسول الله به ما یاد داده است، عبادت کند، نه به هر صورتی که دل او بخواهد، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ﴾ [الحشر: 7].

«و آنچه که پیامبر شما را به آن امر کند، آنرا انجام دهید، و آنچه که شما را از آن نهی کند، از آن دست بکشید».

و همچنین الله سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ٦٥﴾ [النساء: 65].

«سوگند به رب تو ای محمد، ایمان نمی‌آورند تا اینکه ترا در اختلافات خود حَکَم قرار دهند و سپس در دل‌هایشان از آنچه که حکم کردی احساس ناراحتی و نار ضایتی نکنند، و کاملاً تسلیم حکم تو شوند».

و همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

«کسانیکه از امر او مخالفت می‌کنند بایستی بترسند، از اینکه به آنها فتنه‌ای برسد. و یا اینکه دچار عذابی دردناک شوند».

و همچنین رسول الله می‌فرماید:

«مَنْ أحْدَثَ في أمْرِنا هذا ما ليسَ مِنْهُ فهو رد». (متفق علیه). «هر کس در امر دین عمل جدیدی بیاورد، این عمل او غیر مقبول است».

 و همچنین رسول الله می‌فرماید:

**«**عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي، عضوُّا عليها بالنواجذ، وإياكم ومحدثات الأمور، فإن كل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة». (رواه أبوداود والترمذی، وقال: حدیث حسن صحیح). «بر شماست که پیروی کنید از سنت و طریقه من و همچنین از سنت و طریقه خلفاء راشدین که آنها هدایت کنند گانند. بادندانهای آسیاب خود آن را محکم بگیرید (یعنی اینکه شدیداً از سنت من و سنت خلفاء راشدین تبعیت کنید) و از امور نو آورده شده در دین بر حذر باشید چونکه هر امر نو آورده شده در دین بدعت می‌باشد وهر بدعتی گمراهی است».

امّا متأسفانه بعضی از مسلمانها این آیات و احادیث را نادیده گرفته و امور جدیدی را وارد دین کرده‌اند که دین از این امور بریء می‌باشد. اینگونه امور بدعت نامیده می‌شود.

بدعت در لغت امری که جدیدی بوده و نظیری از قبل نداشته باشد. اما بدعت در اصطلاح شرعی یعنی امر جدیدی که بعد از وفات رسول الله وارد دین شده و هدف از بوجود آوردن آن تقرب جستن به الله تعالی باشد.

بعضی‌ها بدعت را به حسنه و سیئه (خوب و بد) تقسیم کرده‌اند اما بایستی گفت که این تقسیم بندی باطل می‌باشد و هیچگونه دلیلی در شرع وجود ندارد که این تقسیم بندی را تأیید کند.

و صحیح آنست که بدعت را به دینی و دنیوی تقسیم کنیم.

گفتیم که بدعت دینی، امر جدیدی است که بعد از وفات رسول الله وارد دین شده و هدف از بوجود آوردن آن تقرب جستن به الله تعالی باشد. اما بدعت دنیوی مثل اختراع هواپیما و اتومبیل و رادیو و چیزهای دیگر.

و بدعتی که در اسلام حرام شمرده شده است بدعت دینی است . اما بدعت دنیوی امری جائز می‌باشد. و هیچ‌گونه مخالفتی با دین ندارد.

و دلیل حرام بودن بدعت در دین قول الله سبحانه و تعالی است که می‌فرماید:

﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ﴾ [المائدة: 3].

«امروز دینتان را برایتان تکمیل کردم».

پس دین با وفات رسول الله تکمیل گشته است و هیچکس حق ندارد که چیزی به آن اضافه و یا از آن کم کند.

و همچنین رسول الله می‌فرماید:

«اياكم ومحدثات الأمور، فإن كل بدعة ضلالة». «از امور مستحدثه و جدید در دین بر حذر باشید، چونکه بی‌شک هر بدعتی گمراهی است».

رسول الله می‌فرماید: هر بدعتی در دین گمراهی می‌باشد. و بنا بر این کسی نمی‌تواند بگوید که بدعت در دین حسنه و سیئه (خوب و بد) دارد چونکه این سخن مخالف سخن رسول الله خواهد بود.

بنا بر این، متوجه می‌شویم - عباداتی که بعد از وفات رسول الله بوجود آمده است بدعت می‌باشند و اگر چه ظاهر آن زیبا و فریبنده باشد اما الله تعالی آنرا حرام گردانیده است.

از انواع بدعت‌ها می‌توان بدعت خواندن نماز ظهر بعد از خواندن نماز جمعه را نام برد. و همچنین بر پا کردن مراسم جشن و سرور و خواندن اشعار در روز ولادت رسول الله . و همچنین بر پا کردن مراسم ماتم و گریه و زاری و دادن غذا در خانه میت. و بسیاری دیگر از این بدعتها که متأسفانه به علت جهل بعضی از مسلمانان و سکوت علماء، به دین راه پیدا کرده‌اند در حالیکه دین از آنها بریء می‌باشد.

پس بر هر مسلمان لازم است که از بدعتهایی که وارد دین شده‌اند و هیچگونه دلیلی از قرآن و یا سنت رسول الله بر آنها نیست، دوری جوید.

قبل از این ذکر کردیم که بر هر فرد مسلمان لازم است فرق بین توحبد الوهیت و توحید ربوبیت را بداند. چونکه اگر به کسی گفته شود این عباداتی که شما برای غیر الله انجام می‌دهید نوعی شرک می‌باشد ناراحت می‌شود و می‌گوید: چگونه به ما تهمت شرک می‌زنید؟ در حالیکه ماشهادت می‌دهیم به (لا إله إلاّ الله محمد رسول الله) و معتقد هستیم که الله تعالی است که زمین و آسمان را آفریده است و اوست که روزی رساننده مخلوقات است و ... و تنها کاری که ما انجام می‌دهیم این است که پیامبران و افراد پاک و صالح را واسطه و میانجی میان خود و الله تعالی قرار می‌دهیم. چونکه اینها در نزد الله مقام و منزلتی بالاتر از ما دارند. مگر نه به این صورت است که اگر کسی بخواهد به نزد پادشاهی برود و از ظلمی که به او شده شکایت کند، بایستی وزیر پادشاه را واسطه ومیانجی قرار دهد تا بتوند به دربار پادشاه راه یابد؟ و به همین صورت ما انبیاء و افراد پاک و صالح را واسطه و میانجی بین خود و الله تعالی قرار می‌دهیم.

در جواب این عده بایستی گفت که:

اولاً: این سخن آنها درست مثل سخن مشرکین می‌باشد. الله تعالی در مورد مشرکین می‌فرماید:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١٨﴾ [یونس: 18].

«و عبادت می‌کنند بجز الله تعالی آنچه را که در حقیقت امر نه به آنها نفعی می‌رسانند و نه ضرری. و می‌گویند که اینها شفاعت کنندگان ما در نزد الله هستند. بگو آیا الله را از شریک و شفاعت کننده‌ای در آسمانها و زمین باخبر می‌کنید که او از وجود آنها اطلاعی ندارد؟ منزه و برتر است الله از آنچه که با او شریک قرار می‌دهند».

وهمچنین الله تعالی می‌فرماید:

﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ﴾ [الزمر: 3].

«آگاه باشید که بندگی خالص برای الله است و کسانیکه برای خود بجز الله ولی و نصیر قرار دادند می‌گویند ما اینها را عبادت نمی‌کنیم مگر برای اینکه ما را مقداری به الله تعالی نزدیک کنند».

و همچنین مشرکین که قرآن آنها را ذکر می‌کند نیز به اینکه الله است که آنها و زمین و آسمان را خلق کرده است و همچنین اوست که رازق و روزی رساننده می‌باشد ایمان داشته‌اند اما این عقیده به تنهایی آنها را مسلمان نساخت. چونکه آنها در عبادت کردن الله واسطه و میانجی قرار می‌دادند.

ثانیاً: آنها در این استدلال شان الله تعالی را به بشر تشبیه می‌کنند. و این امری باطل و نادرست می‌باشد، بله، ممکن است که یک پادشاه از احوال رعیت خود غافل و بی‌اطلاع باشد. ولی آیا چیزی وجود دارد که بر الله تعالی پوشیده باشد؟ هر گز.

و همچنین صحیح است که انسان برای رسیدن به حضور پادشاه احتیاج به واسطه و میانجی دارد. اما در مورد الله تعالی کافی است که انسان اراده کند تا براحتی بتواند حاجت خود را از او طلب کند.

پس این تشبیه امری بسیار نادرست و باطل می‌باشد.

بيان عدم وجود واسطه و ميانجي بين خالق و مخلوق مگر در ابلاغ و رساندن دين:

و چه حاجتی به واسطه و میانجی وجود دارد در حالیکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾ [ق: 16]. «و ما از رگ گردن او (یعنی انسان) به او نزدیک‌تر هستیم» (یعنی اینكه الله تعالی از تمام اقوال و افعال بندگان مطلع می‌باشد) وهمچنین می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: 186].

«هنگامیکه بندگان من از تو درمورد نزدیکی و دوری من بپرسند. بی‌شک من نزدیک می‌باشم، اجابت می‌کنم طلب دعا کننده را هنگامیکه از من طلبی کند».

و همچنین می‌فرماید:

﴿ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: 60].

«فقط از من بخواهید که استجابت خواهم کرد طلبتان را. بی‌شک کسانیکه استکبار می‌جویند از عبادت کردن من، بزودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند شد».

دراین آیه الله تعالی نفرمود که از پیامبران و یا از اولیاء من طلب حاجت کنید.

در حدیث شریف آمده است که: **«**من لم يسأل الله يغضب عليه».«کسیکه از الله حاجتش را طلب نکند، الله بر او غضب می‌کند».

و همچنین در حدیث شریف آمده است که: **«**ادعوا الله وأنتم موقنون بالإجابة». «از الله طلب حاجت کنید. و در هنگام طلب کردن یقین داشته باشید که او دعای شما را اجابت خواهد کرد». رسول الله نیز در این حدیث نفرموده که از انبیا، و یا افراد صالح بخواهید تا آنها حاجت تان را از الله بخواهند».

پس این آیات و احادیث به وضوح ما را امر می‌کنند که حاجات خود را فقط از الله سبحانه و تعالی بخواهیم. و بین خود و او هیچگونه واسطه و میانجی قرار ندهیم.

توسل و شبهات پيرامون آن

بایستی بدانیم که هیچگاه پیامبران به همدیگر، و همچنین هیچگاه صحابه کرام و نه تابعین به رسول الله توسل نجسته‌اند.

توسل به دو دسته تقسیم می‌شود:

1- جائز 2- ممنوع

توسل جائز خود نیز به دو دسته کوچکتر تقسیم می‌شود:

1. توسل جستن به ایمان داشتن به الله تعالی و به رسول الله و همچنین به اعمال صالحه مثل نماز، روزه، زکات و.....

2- توسل جستن به دعای رسول الله در زمان حیاتش. یعنی اینکه شخصی که حاجتی دارد به نزد رسول الله می‌رفت و از او می‌خواست که برایش دعا کند تا که حاجتش بر آورده شود.

همانطوریکه شخصی اعرابی، از رسول الله خواست تا- دعا کند که باران ببارد. و به همین صورت، شخص نابینایی از رسول الله خواست تا دعا کند که الله تعالی بینائی اش را به او باز گرداند (البته در مورد این حدیث- حدیث نابینا- گفته شده است که سند آن صحیح نمی‌باشد).

واضح است که این نوع توسل با وفات رسول الله دوره اش بسر رسیده و دیگر جائز نیست که کسی به نزد قبر رسول الله برود و از او بخواهد برایش دعا کند تا حاجتش بر آورده شود.

و از ادله‌هایی که این ا مر را ثابت می‌کند این است که در زمان خلافت عمر برای مدتی باران نبارید. تا آنجا که مسلمانان نماز استسقاء خواندند، و پس از اتمام نماز عمر گفت: اللهم در گذشته هنگامیکه باران نمی‌بارید از طریق رسول الله به تو متوسل می‌شدیم و تو بر ما باران می‌باریدی. اما الان از طریق عموی رسول الله به تو متوسل می‌شویم. سپس عمر گفت: ای عباس بر خیز و برای ما دعا کن.

پس اگر توسل جستن به رسول الله بعد از وفاتش جائز می‌بود، هرگز صحابه کرام توسل جستن به رسول الله را ترک نمی‌کردند و از عباس نمی‌خواستند که برایشان دعا کند.

بعضی‌ها حدیثی را روایت می‌کنند که در آن آمده است هنگامیکه آدم در بهشت دچار خطا شد دعا کرد و گفت: ای الله از تو می‌خواهم که به حق محمد مرا ببخشی.... حدیثی که به آن استدلال کرده‌اند موضوع می‌باشد و حدیث موضوع یعنی حدیثی که ساختگی و دروغ باشد. پس این حدیث را هرگز رسول الله نگفته است. بلکه کسانی آن را ساخته و به دروغ آن را به رسول الله نسبت داده‌اند.

حتی قرآن نیز دروغ بودن این حدیث را ثابت می‌کند. چونکه در قرآن مجید آمده است هنگامیکه آدم دچار خطا شد گفت:

﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾ [الأعراف: 23].

«ای رب ما، ما به خود ظلم کردیم، و اگر تو ما را نیامرزی و برما رحم نکنی ما از زیانکاران خواهیم بود».

در اینجا دعاهای بعضی از پیامبران را ذکر می‌کنیم تا غیر صحیح بودن توسل جستن به مخلوق بیشتر برایمان روشن گردد. در قرآن کریم آمده است که نوح گفته است:

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا ٢٨﴾ [نوح: 28].

«ای رب من بیامرز مرا و پدر و مادرم را و هر مؤمنی را که داخل خانه من شده است. و همچنین بیامرز تمام مردان مؤمن و زنان مؤمن را. و بر ظالمین چیزی جز هلاکت و ویرانی زیاد مکن».

و همچنین ابراهیم گفته است:

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾ [ابراهیم: 41].

«ای رب ما، بیامرز مرا و والدینم و مؤمنین را در روزیکه حساب برپا می‌شود، (این دعا را ابراهیم هنگامی کرده بود که هنوز برای او مشخص نشده بود، پدرش دشمن الله است)».

و در قرآن در مورد ایوب آمده است:

﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٨٣﴾ [الأنبیاء: 83].

«و بیاد آر ایوب را هنگامیکه رب خود را خواند و گفت مرا رنج و بلا رسیده است و تو ارحم الراحمین هستی».

و در مورد یونس هنگامیکه در شکم نهنگ فرو رفت، آمده است:

﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾ [الأنبیاء: 87-88].

«و بیاد آر یونس را هنگامیکه با ناراحتی و غضب قوم خود را ترک کرد و گمان برد که ما او را دچار سختی و تنگنایی نخواهیم کرد. اما هنگامیکه به داخل شکم خود را خواند و گفت: معبود بحقی جز تو نیست. و تو از هر گونه نقص و بدی پیراسته هستی. وبی شک من از ظالمین بوده ام. ما نیز دعای او را اجابت کردیم و از بلا و مصیبتی که در آن بود نجاتش دادیم. و اینگونه ما مؤمنین را نجات خواهیم داد اگر بسوی ما روی بیاورند».

و در مورد زکریا ذکر شده است که:

﴿وَزَكَرِيَّآ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٨٩ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓ﴾ [الأنبیاء: 89-90].

«و بیاد بیاور زکریا را. هنگامیکه خواند رب خود را و گفت ای رب مرا تنها و بدون فرزند مگذار تو بهترین کسی هستی که باقی می‌مانی بعد از اینکه تمام خلائق مردند و از بین رفتند. پس استجابت کردیم دعای او را و به او فرزندی بنام یحیی بخشیدیم و همسرش را که نازا و بد اخلاق بود اصلاحش کردیم».

و در مورد یوسف ذکر شده است که:

﴿رَبِّ قَدۡ ءَاتَيۡتَنِي مِنَ ٱلۡمُلۡكِ وَعَلَّمۡتَنِي مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ١٠١﴾ [یوسف: 101].

«ای رب من، مرا مُلک و پادشاهی بخشیدی و به من تعبیر کردن خواب یاد دادی. خالق آسمانها و زمین تو ولی و سر پرست من در دنیا و آخرت هستی مرا مسلمان بمیران و به صالحین برسانم».

و همچنین دعاهایی که از رسول الله در کتب احادیث و اذکار ذکر شده است بسیار زیاد می‌باشد، مانند: **«**اللّهُمَّ إنّي أسألك العافيةَ في ديني ودنياي وأهلي ومالي وبدني.... ». «الهی از تو طلب عافیت می‌کنم در دینم و دنیایم و اهلم و مالم و بدنم.... ».

و بسیاری دعاهای دیگر. که پس از دقت در تمام آنها بر ایمان ثابت می‌شود که هیچگونه دلیلی نه در قرآن و نه در آحادیث صحیحه و جود ندارد که توسل جستن به پیامبران، و یا افراد صالح را امری جائز بداند.

پس به این نتیجه می‌رسیم که اینگونه توسل جستن بدعت می‌باشد. و قبل از این، ما احادیث رسول الله را خواندیم که چگونه مسلمانان را از بدعت گذاری در دین منع می‌فرمود.

البته بایستی گفت که اگر این توسل جستن با این عقیده همراه شود که الله تعالی حتماً این دعا را بخاطر شخصی که به آن توسل جسته شده است، اجابت خواهدکرد. این عمل تبدیل به نوعی شرک خواهد شد که تمام اعمال انسان را برباد خواهد داد.

اما دلیل جائز بودن توسل جستن به اعمال صالحه حدیث رسول الله است که در آن آمده است: سه نفر داخل غاری شدند. پس از مدتی در این غار بوسیله صخره‌ای بسته شد. و این سه نفر تمام سعی خود را کردند تا شاید بتوانند صخره را مقداری حرکت دهند، ولی موفق به اینکار نشدند. تا اینکه سر انجام مأیوس و نا امید در گوشه‌ای غار نشستند. پس از مدتی یکی از آنها گفت: بیایید دعا کنیم و به اعمال صالحه خود متوسل شویم شاید که الله تعالی ما را نجات دهد. پس از این سخن یکی از آنها بلند شد و دعا کرد و در این دعای خود به نیکی‌ای که به پدر و مادر خود کرده بود توسل جست پس از اتمام دعا صخره مقداری از جای خود تکان خورد ولی نه به آن اندازه که بتوانند از غار خارج شوند. سپس نفر دوم دعا کرد و در دعای خود به یکی از اعمال صالحه خود توسل جست که عبارت بود از دوری جستن از وقوع در زنا در هنگامیکه این امر برای او میسر گشته بود، پس از اتمام دعای او نیز صخره مقداری از جای خود تکان خورد ولی باز نه به آن اندازه که بتوانند از غار خارج شوند. سپس نفر سوم دعا کرد و در دعای خود به یکی از اعمال صالحه خود توسل جست که عبارت بود از برگرداندن پولی که مدت بسیار زیادی در نزد او گذاشته شده بود و او توانسته بود توسط این پول تجارتی برای خود راه بیاندازد. سپس هنگامیکه صاحب مال برگشت و پول خود را طلبید این مرد پول او را و همچنین سودی را که در تجارت کردن با این پول بدست آورده بود به صاحب آن باز گرداند. پس از اتمام این دعا صخره مقداری دیگر از مکان خود تکان خورد و راه برای خروج این سه نفر مرد باز شد.

پس این حدیث دلیلی است بر اینکه هر مسلمانی می‌تواند در دعاهای خود به اعمال صالحه‌ای که خالصانه برای الله تعالی انجام داده است توسل بجوید.

بعضی‌ها می‌گویند: چون رسول الله در روز قیامت شفاعت می‌کند. پس جائز است که ما به او متوسل شویم.

درجواب این عده بایستی گفت: شکی نیست که رسول الله در روز قیامت صاحب چند نوع شفاعت می‌باشد. ولی اینرا نباید فراموش کرد که الله تعالی است که به رسول الله اجازه می‌دهد از افرادی که او (یعنی الله) از آنها راضی است شفاعت کند. پس می‌بینیم که مالک اصلی شفاعت الله سبحانه و تعالی است چون بایستی که شفاعت به اجازه او باشد و همچنین از افرادی شفاعت می‌شود که الله تعالی از آنها راضی باشد. بنا بر این صحیح نیست که انسان دست به دعا بلند کند و بگوید: **«**يا محمد! اشفع لي». «ای محمد، مرا شفاعت کن». و یا اینکه بگوید: «يا محمد اغفرلي ذنبي» «ای محمد، گناه مرا بیامرز» و........ بلکه صحیح این است که بگوید: «اللهم ارزقني شفاعة محمد » «الهی، مرا از شفاعت محمد بر خوردار کن». و اینکه بگوید: «اللهم لا تحرمني من شفاعة محمد صلي ».  «الهی مرا از شفاعت محمد محروم مگردان».

در اینجا جا دارد بعضی از دلیل‌هایی را که اهل بدعت به آن متمسک می‌شوند تا توسل و استغاثه جستن به غیر الله را امری شرعی وانمود کنند،ذکر کنیم و سپس به تمام این دلیل‌ها جواب دهیم تا جای هیچگونه شبهه‌ای در دلهایمان باقی نماند:

دلیل اول: حدیث توسل جستن آدم به رسول الله .

دلیل دوم: آیه پانزدهم از سوره القصص:

﴿فَٱسۡتَغَٰثَهُ ٱلَّذِي مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِي مِنۡ عَدُوِّهِۦ﴾ [القصص: 15].

«پس کمک جست (از موسی) کسیکه از پیروان او بود علیه کسی که از دشمنان او بود».

دلیل سوم: حدیث «إذا أعيتكم الأمور فعليكم بأهل القبور». «هنگامیکه از حل کردن امور تان خسته و ناامید شدید، پس بر شماست که به اهل قبور (مردگان) مراجعه کنید)».

دلیل چهارم: حدیث **«**توسلوا بجاهي فإن جاهي عند الله عظيم». «به مقام و منزلت من توسل بجوئید بی‌شک مقام و منزلت من در نزد الله بس عظیم می‌باشد».

دلیل پنجم: آیه سی و پنجم از سوره المائدة:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: 35].

«ای کسانیکه ایمان آورده اید از عقاب الله بترسید و در طلب وسیله‌ای باشید که شما را بسوی او نزدیک گرداند».

می گویند پس ما پیامبران و صالحین را وسیله‌ای برای خود قرار می‌دهیم که ما را به سوی الله نزدیک کنند.

1- رد بر دلیل اول: همانطور که قبلاً نیز ذکر کردیم این حدیث موضوع (ساختگی) می‌باشد. امام ذهبی / در مورد این حدیث می‌گوید: بی‌شک این حدیث ساختگی می‌باشد. و هیچکس نمی‌تواند به احادیث ساختگی استدلال کند. (صحیح، ضعیف و یا موضوع بودن احادیث توسط علمای علم حدیث بوسیله قواعدی که در این علم وجود دارد، تعین می‌شود).

2- رد بر استدلال به آیه پانزدهم از سوره القصص. می‌گوئیم این استدلال بسیار دور از حق می‌باشد چونکه در آیه آمده است شخصی از بنی اسرائیل که از پیروان موسی بود از او خواست تا او را در مبارزه اش با شخصی از پیروان فرعون یاری کند. یعنی اینکه شخص زنده‌ای از شخص زنده دیگری کمکی خواست در چهار چوب توانایی انسان. و این امر هما نطوریکه قبلا نیز ذکر کردیم جائز می‌باشد و هیچ اشکالی ندارد. پس معلوم می‌شود این آیه هیچ ربطی به استغاثه جستن از مردگان و یا استغاثه جستن از مخلوقات در اموری که فقط الله تعالی قادر به انجام آن است، ندارد.

3- رد بر دلیل سوم و چهارم: این دو حدیث نیز مانند حدیث اول موضوع می‌باشد. و کسانیکه اینگونه احادیث را ساخته و به دروغ آنرا به رسول الله نسبت می‌دهند در اصل قصد از بین بردن و افساد دین را دارند، و چونکه پایه و اساس دین توحید و یگانگی الله تعالی است. آنها می‌خواهند این پایه و اساس را از بین ببرند چون خوب می‌دانند که هر چیزی با از بین رفتن پایه و اساسش کم کم و به مرور زمان از بین می‌رود.

بایستی گفت هیچ مسلمانی نمی‌تواند منکر مقام و منزلت رسول الله در نزد الله تعالی شود. رسول الله سید المرسلین و خاتم الأنبیاء است. الله تعالی کاملترین دین را بروی نازل کرده است. و بسیاری از امور دیگر وجود دارد که الله آنها را فقط مخصوص رسول الله قرار داده‌است.

اما با تمام اینها، نباید فراموش کرد که رسول الله نیز مخلوقی از مخلوقات الله تعالی است. و ما نمی‌بایست هیچگاه در مدح و ستایش مخلوقی آنقدر غلو و زیاده روی کنیم تا او را به درجه‌ای برسانیم که فقط مخصوص خالق سبحانه و تعالی می‌باشد. الله سبحانه و تعالی رسول را امر می‌کند که بگوید:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ﴾ [الکهف: 110].

«بگو بی‌شک من بشری مثل شما هستم که بر من وحی نازل می‌شود. بی‌شک معبود شما (یعنی الله تعالی) معبود یگانه‌ای است».

پس رسول الله نیز بشری مانند دیگر انسانها است که الله تعالی او را برای رسالت انتخاب کرده و وحی خود را از طریق او به سایر انسانها رسانده است. و به همین دلیل نیز بایستی به او احترام بگذاریم و او را از جان خود نیز بیشتر دوست داشته باشیم.

4- رد بر استدلال به آیه سی و پنجم از سوره المائدة در این آیه آمده است که: «در طلب وسیله‌ای باشید که شما را به الله نزدیک کند».

و این وسیله همان اعمال نیک انسان است . قتاده/ می‌گوید: به الله نزدیک شوید بوسیله اطاعت کردن از اوامر او و عمل کردن به آن چیزی که او را راضی میکند.

پس در این آیه نیز هیچ دلیلی بر توسل و یا استغاثه جستن به پیامبران و یا سایر مخلوقات وجود ندارد.

ممکن است کسی بگوید که الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ١٦٩﴾ [آل‌عمران: 169].

«و کسانی را که در راه الله کشته شدند، مرده مپندار. بلکه زنده هستند و در نزد رب شان روزی داده می‌شوند».

می گویند در این آیه آمده است که شهدا زنده هستند و وقتیکه شهدا زنده باشند، حتما أنبیاء نیز که مقامی والاتر از شهدا دارند، زنده می‌باشند. و اگر آنها زنده هستند، پس می‌شود به آنها توسل جست و از آنها طلب کمک کرد.

می گوئیم: بله آنها زنده هستند. ولی در عالم برزخ. و عالم برزخ امری است غیبی و از حقیقت و چگونگی آن کسی جز الله جل جلاله خبر ندارد. پس زنده بودن آنها با زنده بودن ما فرق می‌کند و گرنه هرگز نمی‌بایست آنها را دفن کرد و یا اینکه میراث شان را بین ورثه آنها تقسیم کرد.

علامه ابن جریر طبری در تفسیر این آیه می‌گوید: الله تعالی می‌فرماید: گمان مکن ای محمد که آنها (شهدای احد) مرده هستند و احساس لذت و نعمت نمی‌کنند، بلکه آنها در نزد من زنده هستند و در نعمت بسر می‌برند و از آن چیزی که به آنها عطاء کرده ام شادمان و خرسندند».

و همچنین ابن کثیر/ در تفسیر این آیه می‌گوید:

«الله تعالی در این آیه از احوال شهدا خبر می‌دهد و می‌فرماید: آنها با اینکه در این دنیا کشته شدند، اما ارواح آنها زنده و در نعمت می‌باشد».

سپس ابن کثیر حدیثی را که امام احمد بن حنبل از ابن عباس روایت کرده است، ذکر می‌کند. در این حدیث آمده است که رسول الله فرموده: «هنگامیکه برادران شما در جنگ احد کشته شدند، الله تعالی ارواح آنها را در درون پرندگانی سبز قرار داد که این پرنده‌ها از رودهای بهشت می‌نوشند و از میوه‌های آن می‌خورند و....».

در اینجا ما به تفسیر ابن جریر طبری و ابن کثیر اکتفا می‌کنیم. چونکه بقیه مفسرین نیز همچون ابن الجوزی، القرطبی، القاسمی، البیضاوی،.. این آیه را به همین صورت تفسیر کرده‌اند. وهمچنین نباید فراموش کرد که الله تعالی خطاب به رسول الله فرموده است:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ٣٠﴾ [الزمر: 30].

«تو (ای محمد) خواهی مُرد و آنها نیز خواهند مرد».

و همچنین الله تعالی فرموده است:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُم﴾ [آل‌عمران: 144].

«نیست محمد بجز پیامبری که قبل از او نیز پیامبران دیگری آمدند و رفتند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به کفر خود باز خواهید گشت».

پس بار دیگر نیز می‌گوئیم، حقیقت و چگونگی زندگی در عالم برزخ را فقط الله تعالی می‌داند. و زندگی به آن صورتی که ما با آن آشنا هستیم، شکی نیست که با مردن انسان از بین می‌رود.

بنا بر این، در پایان سخن مان می‌بینیم تمام دلیل‌هایی که به آن استدلال کرده‌اند تا توسل و یا استغاثه جستن به غیر الله تعالی را امری جائز وانمود کنند، یا احادیث ساختگی است و یا اینکه اگر دلیلشان از قرآن و یا حدیث صحیح باشد، تفسیر و نتیجه گیری آنها از این آیات و احادیث اشتباه و خطا است.

الله سبحانه و تعالی رسول الله را امر می‌کند که بگوید:

﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ٢١ قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا ٢٢﴾ [الجن: 21-22].

«بگو ای محمد: من نمی‌توانم ضرر و یا بلایی را از شما دور کنم و نمی‌توانم نفعی به شما برسانم. بگو اگر من معصیتی انجام دهم کسی نمی‌تواند مرا از عذاب الله تعالی نجات دهد. و پناهگاهی چز او نخواهم یافت».

و همچنین هنگامیکه الله جل جلاله این آیه را بر رسول الله نازل کرد:

﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ٢١٤﴾ [الشعراء: 214].

«وبر حذر دار خویشاوندان نزدیکت را (از عذاب الله تعالی اگر که ایمان نیاورند)».

رسول الله تمام خویشاوندان خود را جمع کرد و به آنها گفت:

«ای قریش، خود را از عذاب الله نجات دهید، من نمی‌توانم در مقابل عذاب او برای شما کاری کنم. ای فرزندان عبدالمطلب، من نمی‌توانم در مقابل عذاب الله تعالی برای شما کاری کنم. ای عباس بن عبدالمطلب، من نمی‌توانم در مقابل عذاب الله برای تو کاری کنم. ای صفیه عمه رسول الله، من نمی‌توانم در مقابل عذاب الله برای تو کاری کنم ای فاطمه دختر رسول الله از مال من هر چه می‌خواهی طلب کن. اما من نمی‌توانم در مقابل عذاب الله برای تو کاری کنم».

3- توحيد اسماء و صفات

توحید اسماء و صفات یعنی ایمان داشتن به اسمها و صفات الله سبحانه و تعالی که در قرآن و احادیث صحیحه ذکر شده است. به صورتیکه شایسته عظمت و کبریائی او باشد.

به عنوان مثال چند صفت از صفات الله تعالی را ذکر می‌کنیم:

صفت علم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ﴾ [الأنعام: 101].

«و او به هر چیزی علیم است».

صفت قدرت. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا﴾ [الفتح: 21].

«و الله برهر چیز قادر است».

صفت شنوایی و بینایی .الله سبحانه و تعالی می‌فرماید.

﴿وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا﴾ [النساء: 134].

«و الله شنوا و بیناست».

صفت محبت. الله می‌فرماید:

﴿يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥ﴾ [المائدة: 54].

«آنها را دوست می‌دارد و آنها او را دوست می‌دارند».

صفت دو دست (یعنی اینکه الله جل جلاله دو دست دارد). الله تعالی می‌فرماید:

﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّ﴾ [ص: 75].

«الله فرمود: ای ابلیس چرا برای آنچه که با دو دست خود آنرا خلق کردم، سجده نکردی؟».

صفت نازل شدن (پائین آمدن). رسول الله می‌فرماید:

«رب مان هر شب به آسمان دنیا پایین می‌آید. سپس ندا بر می‌دهد: آیا در این وقت توبه کننده‌ای وجود دارد تا که گناهانش را ببخشم؟ آیا طلب کننده‌ای وجود دارد تا که حاجتش را به او بدهم؟....». بنا بر این بر هر فرد مسلمان واجب است که ایمان داشته باشد به اینکه الله سبحانه و تعالی دارای اسمها و صفاتی است که لایق عظمت و قدرت و کبریائی اوست. و همچنین بایستی ایمان داشته باشد که صفات خالق سبحانه و تعالی با صفات مخلوق متفاوت است. به همان گونه‌ای که ذات الله سبحانه و تعالی با ذات مخلوق فرق می‌کند. مثلاً الله تعالی خود را به صفت علم وصف کرده و فرموده است:

﴿وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ﴾ [الأنعام: 101].

«و او به هر چیزی علیم است».

و همچنین مخلوق را به صفت علم وصف کرده و مثلاً در مورد اسحق علی السلام فرموده است:

﴿وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ﴾ [الذاریات: 28].

«وبشارت دادند او(ابراهیم ) را به فرزندی (اسحق ) علیم (دانا)».

اما شکی نیست در اینکه علم خالق با علم مخلوق فرق می‌کند. علم خالق، علمی است که شایسته عظمت و قدرت اوست و علم مخلوق علمی است که لایق ضعف و ناتوانی او می‌باشد.

وهمچنین الله تعالی خود را به صفت رحمت وصف کرده و فرموده است:

﴿وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا﴾ [الأحزاب: 43].

«و الله بر مؤمنین رحیم می‌باشد».

و رسول الله را نیز به صفت رحمت وصف کرده و فرموده است:

﴿بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾ [التوبة: 128].

«برمؤمنین رؤوف و رحیم می‌باشد».

اما بین این دو نوع رحمت به همان صورت اختلاف وجود داردکه بین ذات خالق و ذات مخلوق اختلاف است. رحمت الله به گونه‌ای است که شایسته عظمت و قدرت اوست. و رحمت رسول الله و دیگر مخلوقات به گونه‌ای است که شایسته مقام مخلوق بودن و ناتوان بودن آنهاست.

و به همین ترتیب، باید دانست که تمام صفتهای خالق با صفتهای مخلوقات فرق می‌کند.

و اینرا هم بایستی بدانیم، هرگز نباید در پی آن باشیم که تصور کنیم صفات خالق به چه صورت است. مثلا هر گز نمی‌توانیم تصور کنیم صفات دست و پا و چشم و... در خالق چگونه است. چون هر امری را که ما در ذهن خود تصور کنیم ناشی از رابطه ما با عالم مخلوقات می‌باشد. و بین صفات خالق و صفات مخلوق هرگز مشابهتی وجود ندارد به همان صورت که بین ذات خالق و ذات مخلوق مشابهتی نیست. پس بر ما واجب است که ایمان داشته باشیم به اینکه الله سبحانه و تعالی دارای صفاتی همچون رحمت، قدرت، علم، دست، پا، چشم و ... می‌باشد. چونکه الله سبحانه و تعالی در قرآن و رسول الله در احادیث خود ما را از این صفات با خبر ساخته‌اند. اما از حقیقت و چگونگی این صفات هیچ اطلاعی نداریم و هرگز نیز نمی‌توانیم حقیقت این صفات را درک کنیم و فقط می‌دانیم که با صفات مخلوق یکسان نیستند. الله می‌فرماید:

﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشوری: 11].

«چیزی مانند او وجود ندارد. و او شنوا و بیناست».

بایستی گفت ما تعداد اسم‌ها و صفات الله سبحانه و تعالی را نیز نمی‌دانیم چون بعضی از آنها جزء غیبیات می‌باشد که هیچکس جز الله سبحانه و تعالی از آنها با خبر نیست.

وآخر دعوانا سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على الـمرسلين والحمد لله رب العالـمين.

1. - طاغوت: هر مخلوقی است که از حد تجاوز کند. مثلا شيطان طاغوت می‌باشد و کسيکه ادعای علم غيب کند نيز طاغوت است، چونکه علم غيب را فقط الله تعالی مي‌داند، پس اين شخص با اين ادعا پا را از گليم خود فراتر نهاده و از حد خود تجاوز کرده است و همچنين حاکمی که مخالف قوانين الله تعالی قانون وضع می‌کند و به قوانين الهی عمل نمی‌کند طاغوت می‌باشد، چونکه قانون‌گذاری از اموری است که فقط مخصوص الله سبحانه و تعالی است. الله تعالی مي‌فرمايد: ﴿إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [الأنعام: 57]. «حکم فرمائی فقط مخصوص الله است». و همچنين مي‌فرمايد: ﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [المائدة: 44]. «و کسانيکه به احکامی که الله نازل کرده است حکم نکنند، کافر می‌باشند». پس هر مخلوقی که از حد خود تجاوز کند و بخواهد اموری را که فقط مخصوص الله است برای خود قرار دهد نوعی طاغوت می‌باشد و بر هر فرد مسلمان واجب است که به اين طاغوت کفر بورزد و از او دوری جويد. [↑](#footnote-ref-1)
2. - بايستی بدانيم عبادت داراي دو رکن اساسی است، ولازم است هنگام بجا آوردن هر نوع عبادتی این دو رکن را نیز بجا آوریم.

   1- نهایت فروتنی و خاضع بودن.

   2- نهایت محبت و علاقه.

   مثلا اگر کسی در ظاهر مطیع امر الله تعالی باشد اما در باطن بغض او و دین اسلام را در دل بپروراند، عبادت این شخص صحیح نیست. و همچنین اگر کسی محبت الله تعالی را در دل داشته باشد، اما در مقابل اوامر او خاضع و فروتن نباشد، اعمال این شخص نیز مانند شخص اول بی‌ارزش است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٤﴾ [التوبة: 24]. «ای رسول الله! بگو: اگر پدران‌تان و فرزندان‌تان و برادران‌تان و همسران‌تان و خویشاوندان‌تان و اموالی که کسب کرده‌اید و تجارتی که از کساد شدن آن می‌ترسید و منازلی که از آنها خوش‌تان می‌آید، در نزد شما محبوب‌تر از الله و رسول او و جهاد کردن در راه او باشد، پس منتظر باشید تا که الله تعالی عقابی بر شما نازل کند. والله تعالی قومی را که فاسق و فاجر باشند، هدايت نخواهد کرد». [↑](#footnote-ref-2)